

نگاهی به شخصیت سیاسی زن ایرانی

در جغرافیای سیاسی پس از انقلاب ۵۷

حمید آزادبخت

چکیده

امروزه مشارکت سیاسی زنان در راستای ارتقای سطح نظام اجتماعی و سیاسی در اکثر جوامع مختلف جهان امری بدیهی و پذیرفته شده است. قانون جمهوری اسلامی بر اساس مبانی فقهی به حقوق طبیعی زنان و حق مشارکت سیاسی - اجتماعی آنان با حفظ شأن و کرامت انسانی آنان نگاهی ویژه، متمایز و مترقی داشته و این حق را چه در قانون و چه در عمل به رسمیت شناخته است. زنان به عنوان نیمی از جامعه ایرانی همواره سعی بر آن داشته‌اند که در تحولات سیاسی و اجتماعی پیرامون خود پا به پای مردان تا حد توان تأثیرگذار باشند. هر چند که این اثرگذاری در سیر تاریخی مورد بررسی این مقاله همواره متأثر از عوامل متعددی بوده است. بی‌شک کنکاش در این زمینه می‌تواند ما را در یافتن الگویی کاربردی جهت بالا بردن مشارکت سیاسی جامعه زنان در تحولات آینده این سرزمین یاری نماید. در این مقاله با گذری تاریخی اجمالی به تاریخ معاصر ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی سعی بر آن داشته که به فراز و فرودهای مشارکت سیاسی زنان و عوامل دخیل در این امر بپردازد.

کلیدواژه

شخصیت، حقوق سیاسی، مشارکت سیاسی، حقوق سیاسی زنان

مقدمه

امروزه مشارکت سیاسی از جمله مواردی است که از سوی جامعه جهانی بسیار مورد توجه قرار گرفته و از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه در هر کشوری یاد می‌شود، به گونه‌ای که از عدم مشارکت سیاسی به خصوص مشارکت سیاسی زنان، به عنوان یکی از نشانه‌های عقب‌ماندگی کشورهای امروزی یاد می‌شود. بنابراین در ابتدا گریزی گذرا خواهیم داشت به سابقه مشارکت سیاسی زنان در تاریخ معاصر ایران و پس از آن با توجه به مستندات تاریخی به شخصیت سیاسی زن ایرانی در جغرافیای سیاسی پس از انقلاب ۵۷ و مختصات کلی آن و تفاوت این دوره اخیر با ادوار گذشته خواهیم پرداخت.

دکتر «پال اسپراکمن» (PAUL SPRACJMAN) نویسنده و مترجم آمریکایی است که کتاب «دا» را که خاطرات یک زن ایرانی از جنگ می‌باشد، ترجمه کرده است. وی در مورد هدفش از ترجمه این کتاب می‌گوید: «در سفرهایی که در ایران داشتم شاهد فعالیت‌های گسترده زنان ایرانی در جامعه بودم. من معتقدم زنان ایرانی از مردان قوی‌ترند. بنابراین دوست دارم با ترجمه این کتاب (دا) تصویر درستی را از زنان ایرانی به دیگر مردم جهان ارائه کنم.»

زن ایرانی در طی تاریخ معاصر تلاش فراگیری را برای تحقق خواسته‌ها و مطالبات جامعه بانوان انجام داده است و در این خط سیر حتی گاهاً نقش پررنگ‌تر و تأثیرگذارتری را از مردان نیز به جای گذارده است. هم‌چنان که در ادامه خواهیم خواند به ویژه در طی انقلاب مشروطیت با وجود نقش ارزشمند بانوان شاهدیم که انقلاب مشروطیت برای جامعه بانوان ایرانی چندان دستاوردی نداشته است یا در طی دوران پهلوی پدر و پسر زن ایرانی آماج سهمگین‌ترین تحقیرها و سرکوب‌ها قرار می‌گیرد.

اما طولی نمی‌کشد که زن ایرانی با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران هویت اسلامی و ایرانی خود را باز می‌یابد و با حضوری سرنوشت ساز در ادوار مختلف چه در پیروزی انقلاب و چه در صحنه‌های مختلف از حیات پس از بهمن ۵۷ نشان می‌دهد که با یک الگوی اسلامی و ایرانی زنان ایرانی می‌توانند حرف‌های بسیاری چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی در حوزه‌های مختلف را داشته باشند. در این مقاله سعی شده است که ضمن بررسی عوامل فراز و فرود حضور بانوان و مشارکت سیاسی آنان قبل و بعد از انقلاب اسلامی به این پرسش پاسخ بدهد که تأسی به منویات نورانی شارع مقدس اسلام تا چه حد بر خلاف ادوار قبل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌تواند به حضور همراه با منزلت و کرامت زن ایرانی کمک نماید.

مفهوم شناسی

حقوق سیاسی (political rights):

حقوق سیاسی تفسیر پدیده‌های سیاسی از لحاظ حقوقی است. (عالم، ۱۳۷۲: ۴۹)

حقوق سیاسی زنان:

حقوق سیاسی زنان مجموعه حقوقی است که شرایط حضور زنان را به گونه‌ای مطرح کند که قدرت احراز مناسب و مشاغل اجتماعی و سیاسی را داشته باشند و در همه پیش زمینه‌های آن شرایط موازنه را به جای «ارائه حق تساوی در شرایط نامساوی» معرفی کرده و حقوقی که زن به لحاظ انسان بودن و زن بودن، یعنی جنسیتش برای زندگی انسانی خود بدان نیازمند است بیان کند. (شایگان، ۱۳۷۴: ۵۷۱)

مشارکت سیاسی:

میل برات مشارکت سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «مشارکت سیاسی رفتاری است

که اثر گذاشته و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد.» (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۱)

تعریف شخصیت:

در زبان روزمره، اصطلاح personality (شخصیت) به تصویر اجتماعی هر یک از افراد جامعه گفته می‌شود. کلمه‌ی personality از کلمه‌ی لاتین persona می‌آید. Persona به ماسکی گفته می‌شد که بازیگران تئاتر یونان قدیم به صورت می‌زدند.

می‌توان شخصیت را این گونه تعریف کرد: مجموعه افکار، هیجان‌ها و رفتارهایی که سبک شخصی فرد در تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی را تشکیل می‌دهند.

انواع مشارکت سیاسی زنان ایرانی:

با توجه به تعاریف و ابعاد گوناگون مشارکت سیاسی، می‌توان انواع گوناگونی برای آن در نظر گرفت:

به لحاظ روش

از این منظر، انواع سه‌گانه ذیل قابل تصورند:

۱. مشارکت بسیجی؛

۲. مشارکت مدرن؛

۳. مشارکت غیرمستقیم.

انواع سه‌گانه مزبور را در نمودار ذیل می‌توان نشان داد:

مشارکت سیاسی زنان ایران در دو مورد اول و سوم به سال‌های بسیار دور می‌رسند که نمودهایی از آن‌ها را می‌توان در جریان جنگ اول و دوم ایران و روس و نهضت تنباکو و نهضت مشروطه مشاهده کرد.

۱. مشارکت بسیجی:

خصیصه مشارکت بسیجی، جمعی بودن و خودجوش بودن مشارکت زنان است که سابقه آن به سال‌های بسیار دور برمی‌گردد و نمودهای بارز آن را می‌توان در موارد ذیل نام برد:

الف. شرکت در راهپیمایی‌ها، تظاهرات و شورش‌های متعدد در تاریخ معاصر؛ همانند شورش زنان در نهضت تنباکو و اجتماع زنان در سر راه ناصرالدین شاه در جریان گرانی نان و مظفرالدین شاه در جریان مهاجرت علما به قم و هم‌چنین اجتماع آنان مقابل مجلس در تهدید روس علیه ایران (زمان مشروطه دوم)

ب. شرکت در فرایند انقلاب اسلامی

ج. شرکت در راهپیمایی‌های ادواری (سالگرد انقلاب، روز جمهوری اسلامی ایران، روز قدس و مانند آن)

د. شرکت در بسیج مستضعفین (نظامی)

ه. شرکت در خدمات اجتماعی بسیج از جمله خدمات بهداشتی.

۲. مشارکت نوین: شاخصه‌های مشارکت نوین عبارتند از:

الف. شرکت در رأی‌گیری‌ها (توده) و همه‌پرسی‌های برقراری نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی، بازنگری قانون اساسی، انتخابات مجلس و انتخابات ریاست جمهوری

ب. شرکت در مجلس مقننه (در سطح نخبگان نامزد، نماینده) با تکیه بر شایسته‌گزینی، به جای استفاده از پیوندهای وابستگی

ج. شکل‌گیری گروه‌ها و انجمن‌های خاص زنان برای بیان منافع

د. شرکت در امور اجرایی (اخذ تصمیم)

ه. کار برای حکومت (اشتغال).

۳. مشارکت سیاسی غیرمستقیم:

نمودهای مشارکت سیاسی غیرمستقیم زنان عبارتند از:

- ۱) پشتیبانی از همسران، پسران، برادران، پدران برای شرکت در جنگ
- ۲) اهدای کمک‌های مالی، شرکت در فعالیت‌های ستاد پشتیبانی جنگ
- ۳) شرکت در فعالیت‌های سیاسی برای انجام تکلیف شرعی
- ۴) استفاده از موقعیت همسر و وابسته مرد ذی‌نفوذ مشروع برای شرکت در امور مملکتی. (مصفا، ۱۳۷۵: ۶ و ۷)

نقش سیاسی زن ایرانی در تاریخ معاصر

به باور نگارنده این مقاله شاید به جرأت بتوان گفت که نقطه عزیمت نقش‌آفرینی جامعه زنان در عرصه سیاسی تاریخ معاصر ایران در بحبوحه انقلاب مشروطه باشد. در واقع رد پای جامعه زنان را در تأثیر بخشی به تاریخ معاصر را به روشنی می‌توان در سنگفرش تقویم تاریخ طی سالیان مذکور ملاحظه کرد. طی این دوره اگر چه زنان جامعه ایرانی حضور پررنگی در تحولات سیاسی و رخدادهای اجتماعی دارند و نه تنها همگام با مردان بلکه در برخی موارد بیش از مردان و پیش از آنان در صف اول مبارزه جهت برآمدن خورشید مشروطه از پشت کوه‌های سر به فلک کشیده این کشور بوده‌اند، اما با این وجود متأسفانه می‌بینیم که به رغم پیروزی انقلاب مشروطه دستاورد چندانی نصیب جامعه زنان ایرانی در این دگرگونی سیاسی نمی‌شود و در واقع راندمان مشارکت سیاسی زنان در سبد دستاورد آنان چیزی بیش از سرشار از تهی نیست.

در این جا به مرور گذاری تاریخ طی دوران انقلاب مشروطه و نیز عصر پهلوی و در پایان دوران جمهوری اسلامی می‌پردازیم و به نقش و جایگاه زنان

در این ادوار به صورت کلی و گذرا نظری خواهیم افکند.

«از نخستین حرکت‌های آزادی‌خواهانه‌ی مردم ایران که زنان در شروع و استمرار و به نتیجه رسیدنش نقشی اساسی و غیر قابل انکار داشته‌اند، می‌توان انقلاب مشروطه را نام برد. زنان ایرانی در مبارزات مشروطیت فعالانه شرکت داشتند و از حدود سال ۱۲۸۵ هجری خورشیدی سازمان‌های زنان شکل گرفتند و در مشروطه خواهی شرکت کردند. اما این جنبش ملی زنان، یک خرده جنبش و بخشی از جنبش بزرگ ملی ایران با هدف استقلال کشور و اجرای قانون اساسی بود. مشارکت زنان در این وقایع سیاسی، خودجوش بود و از احساسات ملی‌گرایانه جدید آن‌ها و تمایل به رسمیت شناخته شدن نیرو می‌گرفت. در جریان تحولات سیاسی انقلاب مشروطه فعالیت بیرونی زنان بیشتر شد. انجمن‌های خصوصی و سازمان‌های مخفی ایجاد کردند، در تظاهرات شرکت کردند و برای پیروزی مشروطیت به اقدامات غیرخشونت‌آمیز و گاه مسلحانه پرداختند. در مراحل ابتدایی انقلاب مشروطه (اواخر دهه ۱۲۷۰ - اوایل دهه ۱۲۸۰ هجری خورشیدی) زنان بیشتر تحت تأثیر روحانیان بودند و به دلیل حمایت آنان از مشروطیت، از خانه‌هایشان بیرون آمدند و در تظاهرات و رفتارهای دیگری که غیرزنانه تلقی می‌شد، شرکت می‌کردند. مانند: جریان «شورش نان»، اما در ادامه، کم‌کم حرکت مستقل زنان، محسوس‌تر شد و استقلال بیشتری یافت. آن‌ها انجمن‌ها و دوره‌های خصوصی برپا می‌کردند و آگاهی اجتماعی و فعالیت غیرخانگی‌شان، هر روز عمق و گستره‌ی بیشتری می‌یافت.» (الیز، ۱۳۸۴)

برخی از انجمن‌ها و سازمان‌های مخفی زنان حتی به نبردهای مسلحانه برای مشروطیت دست می‌زدند. برای مثال، در مبارزه‌ای مسلحانه بین موافقان

و مخالفان مشروطه در آذربایجان جسد ۲۰ زن در لباس مردانه یافت شده است. در سال ۱۲۹۰ هجری خورشیدی وقتی شایعه شد برخی نمایندگان مجلس به خواسته روس‌ها تن داده‌اند حدود ۳۰۰ تن از زنان با تپان‌چه به مجلس رفتند تا آنان را مجبور به «حراست از آزادی و تمامیت ارضی کشور» کنند. در آذربایجان قیام «زینب پاشا» را در دهه ۱۲۷۰ هجری خورشیدی مشاهده می‌کنیم و هنگام اوج‌گیری مبارزات مسلحانه مشروطیت زنان بسیاری مخفیانه در لباس مردان در مبارزات شرکت کرده‌اند و برخی از آنان به طور اتفاقی شناخته شده‌اند، مثلاً سربازی بود که جراحت برداشته بود و در درمانگاه از مداوای زخمش امتناع می‌کرد. کار به آن جا رسید که ستارخان به بالین او می‌آید و از او می‌خواهد که «پسرم تو نباید بمیری. ما به نیروی تو، به اراده آهنین تو نیاز داریم. چرا راضی نمی‌شوی زخم ات را مداوا کنند؟» و سرباز در گوش او می‌گوید که من زن هستم.

انجمن‌های زنان اقدامات غیرقهرآمیز زیادی نیز در دفاع از مشروطیت و نیز وادار کردن انگلیس و روسیه به ترک ایران، انجام دادند. از جمله فروختن جواهرات و خرید سهام از دولت در جریان تأسیس بانک ملی توسط مجلس. زنان هم‌چنین مبتکر تحریم کالاهای خارجی هم بودند مثلاً سعی کردند قهوه‌خانه‌ها را متقاعد سازند برای کاهش مصرف شکر وارداتی، تعطیل کنند. این انجمن‌ها میتینگ‌های بزرگی درباره نقش زنان در جنبش ملی ۱۲۹۰ هجری خورشیدی برای خارج ساختن انگلیس و روسیه از ایران برگزار می‌کردند. (پارسا بناب)

با آغاز دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی دوران جدیدی در روند مبارزات اجتماعی جنبش زنان آغاز گردید که به نتایج درخشان و روشنی دست یافت که با وجود همه مخالفت‌ها و انتقادهای صورت گرفته از آن می‌توان به عنوان انقلابی بزرگ

در راستای دست‌یابی به حقوق بنیادی و انسانی برای بانوان ایران نام برد. سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۱ هجری خورشیدی را می‌توان سال‌های تجدید حیات محدود و کنترل شده جنبش زنان دانست که سازمان‌های مستقل‌تر، اما پراکنده‌ای هم‌چون حزب زنان و جمعیت زنان (با روزنامه زن امروز) تشکیل شدند. سازمان زنان ایران زیر نظر محمدرضا شاه، تشکیلات زنان ایران در حزب توده با نشریه بیداری ما. این سازمان‌ها بر خلاف دهه ۱۳۰۰ چندان هم‌گرا نبودند. اشاره مختصری به هماهنگی فعالیت‌های حزب زنان و جمعیت زنان در سال ۱۳۲۲ هجری خورشیدی شده است و در سال ۱۳۳۱ بیانیه‌ای از «ائتلاف سازمان‌های زنان» برای تقاضای حقوق سیاسی و اقتصادی دیده می‌شود. این تجدید حیات محدود در سال‌های حکومت محمدرضا شاه از بین رفت و تمام فعالیت‌های حقوقی زنان در کنترل دولت قرار گرفت و از دهه ۱۳۳۰ متمرکز سازی شد و در نهایت تحت سازمان زنان ایران درآمد و از حالت جنبش اجتماعی خارج شد. سازمان زنان ایران (تأسیس ۱۳۴۵ هجری خورشیدی) سازمانی دولتی در ایران بود که به مسائل زنان در سطح کشور می‌پرداخت. سازمان زنان مسئول اجرای پروژه‌هایی در سطح ایران بود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ایجاد مراکز رفاه خانواده، ایجاد مدرسه مددکاری ورامین و تربیت منظم مددکار اجتماعی، و تحقیق در حوزه مسایل زنان اشاره کرد. این سازمان نماینده رسمی ایران در کنفرانس‌های بین‌المللی مربوط به زنان محسوب می‌شد. فعالیت‌های سازمان زنان بیشتر جنبه خیریه‌ای داشت، هرچند که در دهه ۱۳۵۰ هجری خورشیدی، احتمالاً به دلیل روی کار آمدن مهناز افخمی، دبیرکل جدید تحصیل کرده و نسل جدید همکارانش به حوزه‌های غیرسستی نظیر اصلاحاتی قانونی و سیاسی نیز پرداخت. (از جمله لابی‌گری

برای تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۵۴ هجری خورشیدی و قانون سقط جنین در سال ۱۳۵۶ هجری خورشیدی) مراکز رفاه خانواده برای زنان طبقه پایین شهری، امکانات آموزشی (سوادآموزی و آموزش‌های حرفه‌ای)، تسهیلات بهداشتی (آموزش بچه‌داری و تنظیم خانواده، چکاپ‌های منظم، توزیع وسایل پیشگیری از بارداری)، مشاوره حقوقی و مهدکودک ایجاد می‌کرد. آموزش‌های حرفه‌ای بیشتر شامل فعالیت‌های سنتی زنانه مانند خیاطی، قالی‌بافی، تایپ و آرایشگری می‌شد. هرچند که در اواخر کار سازمان زنان دوره‌های آموزش تعمیر رادیو و تلویزیون و آموزش مکانیکی نیز در مراکز محدودی برگزار می‌شد. تحقیق در حوزه زنان نیز از دهه ۱۳۵۰ در سازمان گسترش یافت و بر مسائلی مانند تبعیض علیه زنان، تصویر زن در کتاب‌های درسی مدرسه‌های ابتدایی، منزلت زن در جامعه عشایری، نقش زن و مرد در پیام‌های تجارتي تلویزیون ایران و ... بود. سازمان زنان علاوه بر ساختار آن که قابل نظارت دولت بود، مانند سایر سازمان‌های ایران از رخنه جاسوسان مخفی بی‌بهره نبود و اغلب با هشدارهای ساواک مواجه بود که از آن‌ها می‌خواست مواضع خود را تعدیل کنند و عناصر ضد رژیم را تحریک نکنند. سازمان زنان در طول فعالیتش با انتقادات هم سنت‌گرایان و هم اصلاح‌طلبان منتقد دولت روبه‌رو بود. اصلاح‌طلبان معتقد بودند این سازمان کم‌کار است و کمکی به حقوق زنان نمی‌کند، محافظه‌کاران سنت‌گرا معتقد بودند سازمان بسیار لیبرال و لائیک است. هر دو گروه، سازمان زنان را بازیچه‌ای در دست دولت می‌دانستند. (الیز، ۱۳۸۴: ۹۰ تا ۱۴۴)

نقش زنان در مشروطه و رویدادهای آن

زنان در تمام لحظات این حرکت مهم سیاسی — اجتماعی فعالانه حضور داشتند. آن‌ها بارها بست نشستند و عهده‌دار مسئولیت‌های مهمی در عرصه

مقاومت بودند. آنان ضمن همراهی با مردان، به هنگام آمدن علما به مسجد برای سخنرانی، مسئولیت حفظ جان آن‌ها را بر عهده می‌گرفتند. یکی از این زنان، همسر حیدرخان تبریزی بود. وی زنی نیرومند بود و به همراه چندتن از دیگر زنان آزادی‌خواه تهران، حفاظت از علما به هنگام سخنرانی در مساجد را بر عهده داشت. در زمان مهاجرت صغری، زنان و مردانی که در شاه‌عبدالعظیم سکونت داشتند، با شرکت در مجالس وعظ علما، به حمایت از نهضت ضداستبدادی می‌پرداختند. هنگامی که عین‌الدوله سعی کرد به زور علما را بازگرداند و برای این منظور امیربهداد و تعدادی از تفنگچیان را به حرم حضرت عبدالعظیم فرستاد، زنان با رفتن به بالای بام‌های صحن حرم، آماده بودند تا در صورت هتک حرمت به مرقد یا علما، تفنگچیان را سنگباران کنند. این اقدام جسورانه زنان باعث شد نیروهای حکومتی بدون نتیجه به تهران بازگردند. (دلریش، ۱۳۷۵: ۱۷۱)

زنان و تأسیس بانک ملی

به نظر می‌رسد در زمینه تأسیس بانک ملی، اولین قشری که به فکر ایجاد بانک ملی در ایران افتادند، زنان بودند. این موضوع نخستین بار از سوی زنان و در نشریه ندای وطن منعکس شد: «بانک ملی را بر پا می‌کنیم».

در بیست‌ودوم رمضان ۱۳۲۴ق/ دهم نوامبر ۱۹۰۶م دولت مشیرالدوله از مجلس شورای ملی خواست قرارداد استقراض از بیگانگان را برای رفع پریشانی اقتصادی دولت بررسی کند. این مسئله و مخالفت برخی نمایندگان شورای ملی با آن، باعث شکل گرفتن اندیشه «طرح تأسیس بانک ملی» شد. در ابتدا چگونگی انجام کار به نظر مشکل می‌آمد، اما حمایت مردم و به‌ویژه حمایت شگفت‌انگیز زنان که حاضر بودند از دارایی اندک خود صرف‌نظر کنند و آن را

به عنوان موجودی به بانک تقدیم نمایند، راه را هموار کرد. تا زمانی که زنان مشروطه خواه به میدان نیامده بودند، روند تشکیل بانک ملی به کندی پیش می رفت، اما از آن پس زنان با برگزاری جلسات و انتشار بیانیه ها و مقالات توانستند زنان و مردان جامعه را به حرکت وادارند. تلاش زنان برای تأسیس بانک ملی، نشانگر فهم و شعور بالای سیاسی و اقتصادی آنها بود و این مسئله ای بسیار در خور توجه است. این حمایت و یاری زنان، مختص به قشر خاصی نبود بلکه تمام اقشار، از ضعیف و غنی، متعهد شدند براساس تمکن مالی خود به تأسیس بانک کمک کنند. در این واقعه که یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطه و مصوبه مجلس شورای ملی بود، در واقع زن ایرانی نشان داد که توانایی های بسیاری دارد. هر چند مشروطه سرانجام تحقق نیافت، اما حمایت مالی و معنوی از مسئله بانک ملی، باعث شد زنان اولین انجمن ها و اتحادیه های خود را تشکیل دهند و آن را تثبیت نمایند. (امامی، ۱۳۸۳: ۱۳۷-۱۳۸)

دستاوردهای مشروطه برای زنان

اکنون این پرسش در ذهن ایجاد می شود: با وجود آن که در مراحل مختلف تحولات مشروطه، زنان دوشادوش مردان بودند و به حفاظت از کیان خود پرداختند، از مشروطه چه چیزی نصیب زنان شد؟ به نظر می رسد مشروطه خواهان غایت تحرکات و فعالیت هایشان را بر دستیابی به تأسیس عدالت خانه و بعدها پارلمان یا مجلس شورای ملی بنا کرده بودند و لذا حرکت زنان نیز از آغاز هدفمند و سازمان یافته نبود. شرایط اجتماعی و فرهنگی آن روز که جلوه بارز جهل و بی سوادی و گرایش شدید مردم به خرافات بود، اقتضا نمی کرد که عموم زنان نسبت به جایگاه و موقعیت خویش آشنا شوند. البته

گروه‌هایی از زنان وابسته به دربار و یا زنانی که از امکان تحصیل برخوردار بودند، از همان آغاز مبارزه تلاش‌هایی برای بهره‌مندی از فضای موجود در جهت طرح مسائل زنان در مطبوعات و محافل زنان و حتی مجلس شورای ملی به عمل آوردند، اما این حرکت که از یک پشتوانه قوی در میان مردم و مشروطه‌خواهان برخوردار نبود، چندان موثر واقع نشد.

اولین اقدامی که توسط عده‌ای از زنان تجددطلب برای رفع موانع موجود انجام گرفت، تشکیل اتحادیه غیبی نسوان بود که در دوره مجلس اول و در سال ۱۳۲۵ق تشکیل شد. این تشکل ابتدا مخفی بود، اما در سال بعد کوشید فعالیت خود را به صورت علنی دنبال نماید و به همین دلیل به طرح مسئله فعالیت علنی خود در مجلس شورای ملی پرداخت. در این راستا برخی نمایندگان موافق و بعضی مخالف بودند و علت مخالفت هم به دلیل فعالیت سیاسی آن‌ها بود که حتی برای نمایندگان مشروطه‌خواه نیز قابل هضم نبود.

به هر حال استنکاف مجلس از مشروعیت بخشیدن به این تشکل، موجب ناامیدی زنان نشد و انجمن‌های نیمه‌سری هم‌چنان با همان اهداف دوگانه سوادآموزی زنان و روشننگری و ارتقای فرهنگی آنان، به فعالیت مخفیانه خود ادامه دادند. (محتشمی‌پور، ۱۳۸۳: ۵۵-۵۷)

نتیجه تلاش‌های جنبش زنان ایرانی در به ثمر رسیدن مشروطه حتی منجر به آن نشد که زن ایرانی از حق رأی برخوردار گردد و براساس ماده ۴ نظامنامه انتخابات، زنان نیز در کنار صغار، محجورین و متکدیان و... از حق انتخاب و رأی‌دادن محروم شدند و ماده ۷ در واقع تیر در حکم تیر خلاص بود و حتی زنان را از حق انتخاب شدن نیز محروم می‌کرد.

از دیگر دستاوردهای انقلاب مشروطه، تأسیس مدارس دخترانه و علم‌آموزی

دختران و زنان ایرانی بود. پس از افتتاح مجلس، زنان تجدد طلب در این راستا تلاش بیشتری به عمل آوردند. هرچند در مقابل این خواسته آنان نیز مخالفت‌هایی شد و مخالفان حتی خواستار حفظ پایگاه سنتی زن و مرد بودند و مشارکت در سیاست و امور حکومت را حق مردان می‌دانستند، آنان در این راستا به کوشش خود ادامه می‌دادند.

مدارس دخترانه به رغم مشکلات فراوان مالی و نابسامانی‌های نظام آموزشی، در تهران و چند شهر دیگر گسترش یافت؛ چنان‌که در سال ۱۳۲۹ق فقط در تهران پنجاه و هفت مدرسه دخترانه مشغول به کار بودند. این مدارس با انجمن‌های زنان ارتباط منظم داشتند و بخش عمده‌ای از اهداف و برنامه‌های انجمن‌های نیمه‌سری زنان که به وسیله یک کمیته مرکزی هماهنگ می‌شد، توسط این مدارس و دانش‌آموزان آن‌ها دنبال می‌گردید.

دستاورد دیگر انقلاب مشروطه این بود که زنان توانستند دیدگاه‌های خود را از طریق روزنامه‌های مشروطه‌خواه که مهم‌ترین ابزار اطلاع‌رسانی بودند، بیان کنند. پس از فتح تهران که فعالیت‌های سیاسی — اجتماعی زنان بیشتر شد، انتشار روزنامه نیز ضرورت یافت و برای اولین بار زنان به عرصه روزنامه‌نگاری قدم نهادند. از سال ۱۳۲۸ق تا آغاز دوره پهلوی اول به تدریج هفت مجله و روزنامه اختصاصی زنان با عناوین دانش، شکوفه، زبان زنان، نامه بانوان، جهان زنان و جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران منتشر شدند و به مرور زمان این نشریات افزایش یافتند. (محتشمی‌پور، ۱۳۸۳: ۶۰-۶۱)

در دوران رضا شاه همانند عصر پس از مشروطه زنان هم‌چنان از حقوق سیاسی خود تا حدود زیادی محروم بودند. تنها تلاش‌های سازمان یافته در زمینه حضور بانوان در عرصه سیاسی در این دوره محدود به تأسیس برخی

سازمان‌ها و انجمن‌های وابسته به رژیم پهلوی بود که توسط زنان وابسته به دربار پهلوی دایر شدند. در نهایت زنان در این دوره نیز نتوانستند آن‌گونه که باید در عرصه سیاسی مشارکت شایسته‌ای داشته باشند.

به زعم نگارنده این مقاله در دوران محمد رضا شاه پهلوی اگر چه گاهاً گریزهایی به صیانت از حقوق زنان زده می‌شد، اما این ورودهای برق آسا با طول عمر کوتاه در این حوزه تنها در مسیر تحرکات مضحکانه رژیم در راستای عوام فریبی داخلی و تطهیر نظام مستبد شاهنشاهی در عرصه بین‌المللی داشت و گرنه در نظام مستبد سیاسی که انسداد سیاسی آن به حدی بود که حتی مردان هم قدرت ابراز عقیده نداشتند؛ قانون حق رأی زنان در قالب انجمن‌های ایالتی و ولایتی صرفاً به یک نمایش کم‌دی بیشتر شباهت پیدا می‌کرد تا گامی مؤثر در راستای بالا بردن مشارکت سیاسی زنان و صیانت از حقوق سیاسی این قشر از جامعه ایرانی در آن دوره از این رو می‌بینیم که در عصر محمد رضا پهلوی کرامت زن در نازل‌ترین حد ممکن خود قرار می‌گیرد و معرف زن ایرانی در فرهنگ رسمی و غالب ترویج یافته توسط نظام حکومتی به عنوان الگوی غالب زن ایرانی یک زن ملعنه است که تنها بایستی از جاذبه‌های جنسیتی وی در راستای فروش هر چه بیشتر کالاهای تجاری و نیز پر کردن سالن سینماها و ... استفاده گردد.

از این رو می‌توان نتیجه گرفت که دوران پهلوی یکی از ظالمانه‌ترین و خفت‌بارترین دوران حیات، منزلت و کرامت زن ایرانی بوده است که هیچ سنخیتی بین زن مسلمان ایرانی که مقید به ارزش‌های ناب اسلامی بوده و آن زنی که از سوی دستگاه حاکمه به عنوان الگوی زن ایرانی معرفی می‌گردیده

وجود نداشته است.

اما با پیروزی شکوهمند جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۵۷ شاهد خودشکوفایی زن مسلمان عزتمند ایرانی هستیم که به خویشتن خویش در زیر سایه اسلام و رهبری روحانیت معظم و مصلح بزرگ قرن بنیان‌گذار و معمار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره) ایمان دارد.

زن انقلابی امروز بر خلاف زن مشروطه‌چی به توانمندی‌های خود بیش از پیش ایمان و وقوف دارد. از سوی دیگر رهبران انقلاب اسلامی بر خلاف رهبران مشروطه که از همان ابتدا یا حتی در حین پیروزی مشروطه و حتی بعضاً تا مدت‌ها پس از پیروزی انقلاب مشروطه به طور کامل وقوف نداشتند که اصولاً این انقلاب می‌تواند به چه دستاوردهایی برسد می‌بینیم که یک جنبش اجتماعی در نهایت آن گونه که باید به ثمر و نتیجه‌ای که باید می‌رسید دست نمی‌یابد، اما زن انقلابی پرورش یافته در بطن انقلاب ۵۷ ایران به خوبی به این امر واقف است که در سایه پیروی از ولایت فقیه و تدبیر و دوراندیشی امام خمینی(ره) و روحانیت مبارز آگاه پیرو خط امام(ره) می‌تواند با رعایت کرامت و عزت انسانی و اسلامی خود نقش کلیدی را چه در پیروزی انقلاب اسلامی چه در صحنه‌ها و موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی انقلاب به نحو شایسته‌ای ایفا نماید و به درستی که عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران نیز نه تنها در حوزه زنان بلکه در تمامی حوزه‌ها مؤید صداقت و پابندی بر اصول و ارزش‌های بنیان یافته این نظام الهی و اسلامی است. از این رو جمهوری اسلامی از پشتوانه مردمی بسیار قوی برخوردار بوده و جامعه زنان ایرانی نیز به تبع این اصل مهم نقش محوری در تحولات مختلف سیاسی، اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و ... جامعه امروز ایرانی داشته‌اند. حضور زنان در عرصه‌های سیاسی هم به عنوان انتخاب‌گر و هم انتخاب شونده در قوه مقننه و راهیابی نمایندگان زن به مجلس شورای اسلامی، نقش کلیدی در طی ۸ سال جنگ تحمیلی، حضور در منصب‌ها و جایگاه‌های مختلف در قوه مجریه و ده‌ها و بلکه صدها مورد از این مثال‌ها تنها برشی نازک از لایه ضخیم مشارکت زنان در بافت حاکمیتی و اجتماعی نظام مردمی جمهوری اسلامی ایران است.

در واقع به کوتاه سخن می‌توان گفت دوران طلایی حیات سیاسی و اجتماعی زن ایرانی در نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است و هم از این روست که شاهد حضور درخشان زنان در تمامی عرصه‌های حیات جامعه ایرانی با حفظ شأن و کرامت انسانی جامعه بانوان هستیم.

دیدگاه مترقی و عمیق مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد مسائل مربوط به زنان خود به تنهایی گواه این واقعیت است که اوج عزت، کرامت و نقش‌آفرینی زن ایرانی را در ایران شاهد هستیم، ایشان خانواده را سلول اصلی جامعه می‌داند و بر این باور است که اگر این سلول سالم باشد بقیه جامعه نیز سالم خواهد بود. ایشان پیشرفت جامعه‌ی اسلامی را بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده سالم، سرزنده و با نشاط، امکان‌پذیر نمی‌دانند. بدیهی است، زنان ایرانی با در نظر گرفتن ویژگی‌های روحی و جسمی، از حقوقی متوازن و برابر با مردان در نظام جمهوری اسلامی برخوردارند. یکی از تحولات مهمی که در پرتو انقلاب اسلامی در زنان ایران به وجود آمد، تحول روحی و فکری آنان بود. از این رو پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره شاهد حضور زنان در عرصه‌های مختلف هم‌چون ۸ سال دفاع مقدس در برابر تهاجم ارتش

صدام، سازندگی کشور و پیشرفت‌های علمی بوده‌ایم.

تنها گریزی به بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از زنان به تاریخ ۱۳۷۶/۷/۳۰ گویای نگاه ویژه نظام جمهوری اسلامی به مشارکت زنان در برچه‌های مختلف از حیات انقلاب اسلامی است مقام معظم رهبری در این دیدار فرمودند:

«اگر حضور زنان در نهضت انقلابی ملت ایران نمی‌بود، به احتمال زیاد این انقلاب به این شکل پیروز نمی‌شد یا اصلاً پیروز نمی‌شد یا مشکلات بزرگی در سر راه آن پدید می‌آمد. بنابراین حضور زنان مشکل‌گشا بود. در جنگ هم همین‌طور بود، در مسائل دیگر از اول انقلاب تا به حال هم همین‌گونه بوده است. بنابراین تلاش زیادی شده است.» زنان ایرانی توانسته‌اند با مشارکت و فعالیت خود، به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یابند. رشد و ارتقاء توانمندی‌های زنان ایرانی در ابعاد مختلف علمی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ورزشی و ... تنها بخشی از پیشرفت‌های زنان ایرانی پس از انقلاب اسلامی است. لذا در چنین مدلی زنان ایرانی با الهام از فرهنگ انقلاب اسلامی به نحو شایسته‌ای ثابت کرده‌اند که در تمام عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و ... دارای حضوری پررنگ و تأثیرگذار هستند و باورهای دینی و ارزش‌های اسلامی نه تنها مانع از مشارکت ارزشمند آنها در فعالیت‌های مختلف فردی و اجتماعی نیست، بلکه این فعالیت‌ها را در راستای بهینه و صحیح هدایت می‌کند.

برخی از موارد درخشان حضور زنان ایرانی در بدنه حاکمیت نظام جمهوری اسلامی در دولت‌های مختلف را در این جا به اختصار می‌آوریم:

تشکیل دفتر امور مشارکت زنان به پیشنهاد مقام معظم رهبری

تشکیل این دفتر به سال‌های میانی دهه ۶۰ برمی‌گردد که با پیشنهاد مقام معظم رهبری در زمان ریاست جمهوریشان، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان

تشکیل و عملاً فعالیت خود را از تیرماه سال ۱۳۶۷ آغاز کرد.

اولین مشاور در دولت سازندگی

در سال ۱۳۷۰ اکبر هاشمی رفسنجانی اولین حکم مشاور ریاست جمهوری در امور زنان را برای شهلا حبیبی صادر کرد و او را به عنوان رئیس دفتر امور زنان برگزید.

اولین عضو کابینه در دولت اصلاحات

معصومه ابتکار رییس سازمان محیط زیست در نخستین زنی بود که بعد از انقلاب به عنوان معاون رئیس جمهور در دولت اصلاحات مشغول به فعالیت شد.

دوران احمدی‌نژاد و یک وزیر زن در کابینه دولت

نسرين سلطان خواه به عنوان معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری، سوسن کشاورز رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی، فاطمه بداغی معاون رئیس جمهور در امور حقوقی، مریم مجتهدزاده مشاور و رئیس مرکز امور زنان و خانواده از جمله زنانی بودند که در هیأت دولت حضور داشتند.

مرضیه وحید دستجردی پس از گرفتن رأی اعتماد از مجلس نام خود را به عنوان اولین وزیر زن پس از انقلاب اسلامی در دولت احمدی نژاد ثبت کرد.

روحانی و زنان فرماندار

فرمانداری چهار منطقه در دولت روحانی به زنان سپرده شد تا به واسطه این کار، در تاریخ ایران اولین حضور زنان در فرمانداری را به نام دولت تدبیر و امید ثبت گردد.

همچنین در دولت یازدهم چهار زن در کابینه دولت حضور دارند.

زنان و مجلس شورای اسلامی

در این زمینه زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ همواره سعی بر

آن داشته‌اند که با توجه به فضای باز سیاسی که در پی پیروزی انقلاب برای حضور و نقش‌آفرینی زنان در این عرصه به وجود آمد تا حد توان تلاش خود را در نقش‌آفرینی در این جایگاه به عمل آورند و نتیجه مشارکت سیاسی زنان در عرصه انتخابات مجلس راهیابی شماری از فعالین سیاسی زن در تمامی ادوار مجلس بوده و این روند همواره سیری قابل قبول را در پی داشته به گونه‌ای که در انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی شاهد راهیابی بیشترین نمایندگان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زن به مجلس شورای اسلامی نسبت به ادوار گذشته بودیم.

نتیجه گیری

با بررسی تاریخ معاصر ایران از انقلاب مشروطیت و تا شکل گیری و پیروزی جمهوری اسلامی در بهمن ۵۷ و رخداد‌های پیش آمده در مسیر مشارکت سیاسی بانوان ایرانی، می توان در نهایت به روشنی و صراحت نتیجه گرفت که با توجه به مواردی که در این مقاله در متن مقاله برشمرده شد، چنین استنباط نمود که پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی زن ایرانی به منزلت و جایگاه حقیقی خود دست یافت و به بالاترین حد مشارکت سیاسی خود در طول تاریخ ایران رسید به گونه ای که می توان به جرأت گفت نظام جمهوری اسلامی ایران نقطه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طلایی و اوج حضور و مشارکت زنان ایرانی در طول تاریخ این کهن دیار است.

منابع

- ۱- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۲)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ص ۴۹.
- ۲- شایگان، فریده (۱۳۷۴)، «مفهوم حقوق زن» سیاست خارجی، صفحه ۵۷۱.
- ۳- مصفا، نسرين (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، وزارت امورخارجه، ص ۲۱.
- ۴- الیز، ساناساریان (۱۳۸۴)، جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۱۳۵۷). ترجمه نوشین احمدی خراسانی، چاپ اول. تهران: نشر اختران.
- ۵- پارسا بناب، یونس. تاریخ احزاب سیاسی ایران. ج. جلد یک.
- ۶- دلریش، بشری (۱۳۷۵)، زن در دوره قاجار، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ص ۱۷۱.
- ۷- امامی، فیض‌الله (۱۳۸۳)، «نقش نشریات و تشکلهای سیاسی و اجتماعی زنان در انقلاب مشروطه»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بزرگداشت مشروطه، تبریز، ستوده، صص ۱۳۸-۱۳۷.
- ۸- محتشمی‌پور، فخرالسادات (۱۳۸۳)، «زن و مشروطه ایرانی»، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بزرگداشت مشروطه، تبریز، انتشارات ستوده، صص ۵۷-۵۵.